

محمود درویش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محمود درویش (۱۹۴۲م) در روستای «البروه الجلیلیه» دیده به جهان گشود. این روستا در شرق شهر «عکا» قرار دارد؛ روستایی فلسطینی که اشغال‌گران اسرائیلی پس از جنگ ۱۹۸۴ آن را با خاک یکسان کردند. درویش، در کشور خود بالید و در جوانی به حزب ضد صهیونیستی؛ حزب کمونیستی اسرائیلی «راکاح» پیوست و مبارزات سیاسی را علیه آن رژیم آغازید. وی به خاطر باورهای سیاسی بارها زیر فشار نیروهای اسرائیلی قرار گرفت. به زندان افتاد و در سال ۱۹۹۲ نیز به اقامت اجباری در خانه‌اش محکوم شد.

خاطرات خود را در دو کتاب به نثری شیوانوشت: «یومیات الحزن العادی» (۱۹۷۶) و «ذاکره النسیان» (۱۹۸۷). موضوع کتاب «ذاکره النسیان» هجوم رژیم صهیونیستی به بیروت در سال ۱۹۸۲ می‌باشد.

درویش در عمان اقامت دارد و سردبیر مجله ادبی «الکرمل» است که چندی متوقف شد و از سال ۱۹۹۷ برای دیگر بار در «رام الله» فلسطین به چاپ می‌رسد. از کتاب‌های او است:

- أوراق الزیتون (برگ‌های زیتون)
- عاشق من فلسطین (عاشقی از فلسطین)
- آخر اللیل (انتهای شب)
- حبیبی تنهض من نومها (معشوقم از خواب برمی‌خیزد)
- العصافیر تموت فی الجلیل (گنجشگان در «جلیل» می‌میرند)
- احبک، او لا احبک (تو را دوست می‌دارم و یا تو را دوست نمی‌دارم)
- محاوله رقم ۷ (تلاش شماره ۷)
- تلک صورتها و هذا انتحارالعاشق (آن عکس اوست و این انتحار عاشق است)
- اعراس (عروسی‌ها)
- مدیح الطفل العالی (ستایش سایه بلند)
- هی اغنیه، هی اغنیه (او ترانه‌ای است، او ترانه‌ای است)
- ازی ما ارید (آنچه را که می‌خواهم، می‌بینم)
- احد عشر کوکبا (بازده ستاره)
- دیوان محمود درویش (دیوان محمود درویش) «دو جلد» و...

شماره ۶۰

شهر بورما ۱۳۸۷